رحیم عفیفی

# در بیمرگیِ زردشت

«به‌زند وهومن پسن پیداست که زرتشت دیگربار از اورمزد انوشگی خواست . اوگفت دادار، میانِ آفریدگان تو من‌پرهیزگارتر و کارگرترم ، اگر چون درخت جوید بیش[1]، گوگپتشا[2] یوشت فریان[3] وچهرومیان[4] پسرِ گشتاسب، مرا انوشه کنی، مردمان بدین‌تو بهتر گروند ...اورمزد گفت: ای سپیتمان زردشت،اگر ترا انوشه‌کنم پس توربراتروش‌کرپ[5] انوشه باشد و چون تور بر اتروش‌کرپ انوشه‌باشد رستاخیز و تن‌پسین‌کردن، نشاید . زردشت‌را در اندیشه دشوار نمود . اورمزد به‌خردهروسپ آگاه[6] دانست که سپینمان زرتشت‌اشو چه‌اندیشد او دست زرتشت‌را فرازگرفت . . . . خردهروسپ‌آگاه را بسان آب بر دست زرتشت کرد و باو گفت فرازخور. زرتشت آنرا فرازخورد، ازآن خرد هروسپ آگاه به‌زرتشت اندرآمیخت، هفت شبانه‌روز زرتشت در خرد اورمزد بود . پس زرتشت مردمان و

---

۱ـ جویدبیش: نام درخت افسانه‌ای‌است‌که دردریاچهٔ وروکش‌است و ازتخمهٔ آن گیاهان دیگر روییده‌اند و مناسبت ایرانیان قدیم ازجاودانیهاست .

۲ـ گوگپتسا: در ایرانویج‌بوده و از جاودانیهاست .

۲ـ یوشت فرنان: یکی ازجاودانیهاست.

٤ـ چهرومیان: پشوتن پسر گشتاسب که‌ازجاودانیهاست .

٥ـ توربراتروش: نام‌یکی از برادران خانواده کرپ ازنسل خواهرمنوچهر میباشد که جادوگر بوده و بنابرانچه درنوشته‌های پهلوی‌آمده زردشت بدست‌او کشته شده‌است .

٦ـ خرد هروسپ آگاه: خرد همه‌آگاه ، علم ازلی .

گوسپندان‌را بهفت‌کشور زمین بدید ... او دارودرخت بدیـد... در هفتمین شبانه‌روز، او خرد هروسپ آگاه‌را اززرتشت بازستانید .... اورمزد بـه سپیتمان‌زرتشت گفت که بخواب خوشی که اورمزد داد چه‌دیدی؟ زرتشت گفت که ای اورمزد... مرد کامروایی با بسی‌خواسته دیدم که به‌تن بدنام و روان گرسنه ونزار به‌دوزخ بود، خوش‌آیندم ننمود. درویشی بی‌چیـز و بیچاره دیدم که روانش فربه و به‌بهشت بود مرا خوش‌آیند نمود. مـردِ توانگری بی‌فرزند دیدم مرا برازنده ننمود. مرد شکسته‌ای با فرزند بسیار دیدم مرا برازنده نمود...»

آنچه ازنظر خوانندگان‌گرامی گذشت از «زند وهومن‌یسن» درِ سوم ترجمهٔ صادق هدایت‌است که دربارهٔ بیمرگی یا انوشگی زردشت آمـده ومتن پهلوی آن توسط بهرام‌گور انگلساریادر۱۹۵۷ میلادی‌چاپ وبانگلیسی ترجمه‌شده‌است. بنظر میرسد موضوع بیمرگی زردشت که در آثار دیگـر زردشتی ازجمله روایات پهلوی دربارهٔآن سخنانی بمیان آمـده از کتابِ بهمن‌یشت گرفته شده‌است.

متن زیر نیز که از روایات پهلوی باداشتان دینیک گـرفته شده و ارواد بـامانجی‌ناسروانجی دهابهار آنرا با چندنسخه مقابله کرده و بچاپ رسانیده دربارهٔ بیمرگی یا انوشگی زردشت‌است که نگارنده آنرا از زبانِ پهلوی وخط آم‌دبیره بفارسی برگردانیده و واژه‌هایی که نیاز بشرح داشته درزیرنویس شرح‌آنهارا داده‌است آنچه در [ ] آمده برای روشن‌شدن مطلب افزوده شده‌است.

* * *

(۱) این نیز پید[است] که زردشت به‌اورمزد گفت که چون تو بشوی ومن نیز بشوم به‌تنومندی چون بازرسم.

(۲) اورمزد گفت که به‌انجمن ستواستران[۷].

(۳) این نیز پیدا[ست] که‌روان اهروبان[۸] یکی بادیگری چنان‌رایینند[۹] [که] دوست [و] برادر وپدر وپسر وخویشاوند و زن و شوی.

(٤) چون دروند[۱۰] مند [باشند] به‌افدمی[۱۱] نرسند.

(۵) چون زردشت ازپیش اورمزد بیامد بگریست و اورا گفت که اورمزد مرا بیمرگ بکن.

(٦) اورمزد گفت که‌نشایدکردن، چه تور براتروش[۵] تورِ اهرمن[که] ترا بکشد آن [نیز] بیمرگ بود ورستاخیز وتن‌پسین نبود، چون درویشان امید بآن دارند.

(۷) زردشت، گریان پاسخ گفت که نه [آنسنکه] باد تو دادی، آب تو دادی وخاك تو دادی، آتش تو دادی، هرچیز تو دادی، بنگر و چاره من خواه که ازمرگ رهایی یابم.

(۸) پس اورمزد خرد هروسپ آگاه پیش زردشت برد.

(۹) زردشت هرچه‌بود همچنانکه بود دراین جهان و درآن جهان از هرکس بدید.

(۱۰) او دید جای‌کسی که بیمرگ بود و او را فرزندی نبود، او اندوهگین، بیمگین سهست[۱۲].

(۱۱) او دید جای کسی که مرگمند بود و اورا فرزند بود ورامشمند

---

۷ـ ستواستران یا ایسدواستران: انجمنی که در روز جزا بکار روانها رسیدگی‌میکند.

۸ـ اهروبان: پاکان، پرهیزگاران، مقدسین.

۹ـ رایینند: از مصدر رایینتن بمعنی سروسامان دادن، ادامه‌دادن، رهبری کردن.

۱۰ـ دروندمند: بدکار.

۱۱ـ افدمی: پایان، عاقبت، آخر.

۱۲ـ سهست: ازمصدر سهستن بمعنی بنظرآمدن، قابل‌توجه بودن.

وشادمان سهست .

(۱۲) اوپس باورمزد گفت که گذرمندیِ دن مرا بهتر سهست که همی زندگی‌را نباشد فرزندی .

(۱۳) اورمزد گفت که توخوب نیك نیوشیدی[۱۳] زردشت ، که‌فرزند اسنوتك[۱۴] مـرا خوب سهست. و چون در زندگی ترا فرزندی نیست زن کن تا ترا فرزند بود چه هرکه‌را به‌گناهکاری زن نیست به‌بهشت نرسد .

(۱٤) مردمان آنچه‌از اوستـا وزندِ آنچه بچشم بینند و به‌گـوش شنوند [از] آموزش وبینش، باید که ایشان [را] از آموزش دانائی، وایشار [را] از بینش نهـادگی[۱۵] وچربی[۱٦] بـود ، از دانایی و چـربی به‌بهشت ، گروتمان[۱۷] ودیدن اورمزد وامهرسپندان[۱۸] آمدن ارزانی[۱۹] بود .

۱۳ـ نیوشیدن: آموختن، گوش کردن ، دریافتن .

۱٤ـ اسنوتك: فرزند مشروع ، حلال‌زاده .

۱۵ـ نهادگی: رسم ، روش ، عادت .

۱٦ـ چربی: ملایمت، ادب .

۱۷ـ گروتمان، یا گرزمان : آخرین طبقهٔ بهشت .

۱۸ـ امهرسپندان: مهین فرشتگان کـه تعداد آنان بااورمزد هفت میباشد .

۱۹ـ ارزانی : شایسته، درخور، مستحق .

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

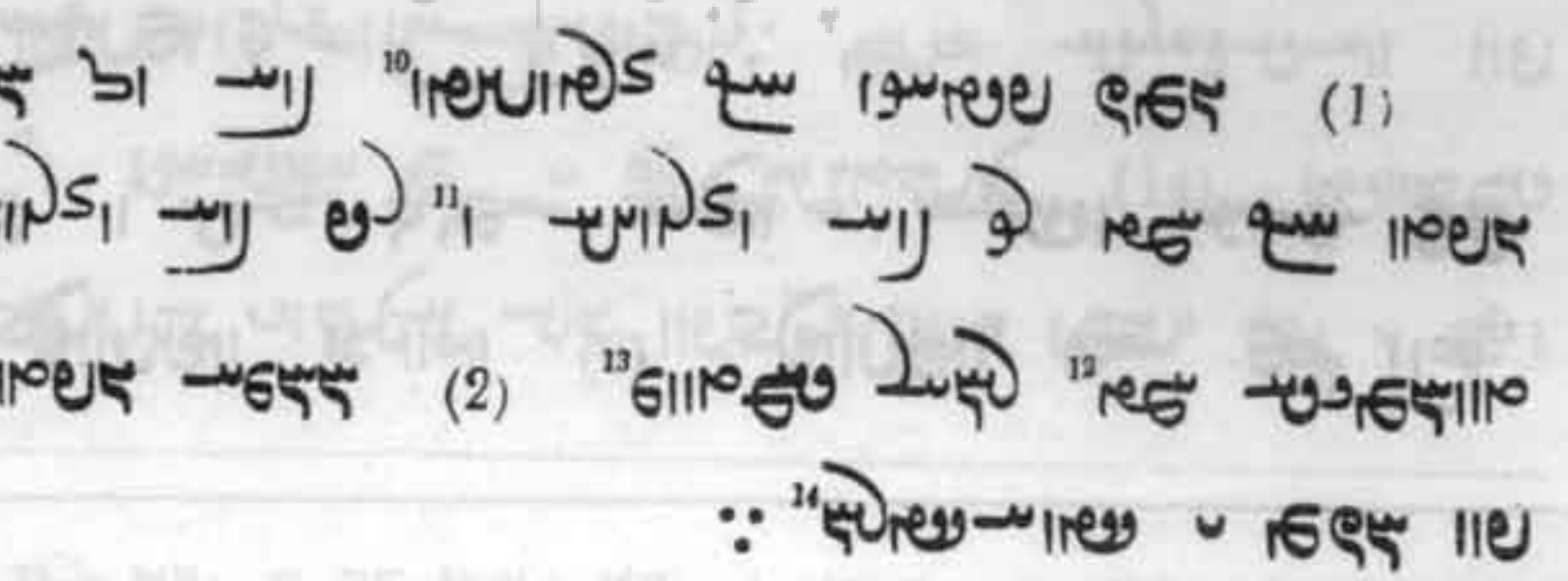

(10) MR1, J . (11) MR1, J . (12) Thus all, for . (13) Thus MR1, J; BK . (14) cf. Bd.

(3) [illegible] [illegible] [illegible]

ܐܝܟ ܕܐܬܝܢ ܗܘ ܕܢܦܫ

[illegible] ۱ [illegible] [illegible][1] [illegible] و [illegible] [illegible] و [illegible][2] [illegible][3] ۱ [illegible] [illegible] و [illegible] [illegible] ۱ [illegible][4] [illegible] [illegible] ۱ [illegible][5] [illegible] [illegible] [illegible